

إعرف الحق تعرف أهله

۹

سلسله پژوهش های اعتقادی

نگاهی به حدیث ولایت

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت المجلد ۹

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی، علی، ۱۳۲۶-

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به حدیث ولایت/علی حسینی‌میلانی.

مشخصات نشر: قم: الحقائق، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.: مصور.

فروست: سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۹.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۱-۸۷-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۸(فیپا).

یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۷-۷۲.

موضوع: علی‌بن‌ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -- ۴۰ ق. -- اثبات خلافت.

موضوع: علی‌بن‌ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -- ۴۰ ق. -- فضایل.

موضوع: احادیث خاص (ولایت).

رده بندی کنگره: BP۱۴۵/و۸ح۵ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۲۱۵۱۶

سرآغاز ... ص: ۷

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

...آخرین و کامل‌ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۸

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از

همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسـلام و سـخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صـلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السـلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شـبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راسـتا، نام سپیده باورانی همچون شـیخ مفید، سـیّد مرتضـی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۹

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السـلام پرداخته است، پژوهشـگر والامقام حضـرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسـلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سـنگ آن محقّق نسـتوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشـنودی و پسـند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضـرت ولیّ عصـر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۱۳

بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم

الحمد للَّه ربّ العالمین، والصّـلاهٔ والسّـلام علی سیّدنا ونبیّنا محمّد وآله الطیّبین الطّاهرین، ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۳

«حـدیث ولایت» که از احادیث پذیرفته شده در نزد شیعه و سنّی به شـمار می‌رود، به یقین از رسول خدا صـلی اللَّه علیه وآله صادر شده است.

این حدیث شریف به وجوه مختلفی بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت دارد:

۱. ثبوت ولایت و حقّ سرپرستی و اولویّت برای امیر مؤمنان علی علیه السلام.

۲. دلالت حدیث بر عصمت امیر مؤمنان علی علیه السلام.

۳. بغض امیر مؤمنان علی علیه السلام موجب خروج مبغض

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۱۴

از اسـلام می‌شود و برای ورود دوباره به جرگه مسلـمانان بعد از دست کشیـدن از بغض و انحرافش، باید تجدید اسلام نماید و از نو

شهادتین را بگوید.

با وجود هر کدام از این سه دلالت به طور جداگانه برای اثبات امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام می توان استدلال کرد.

این نوشتار، به پژوهش در مورد «حدیث ولایت»، بررسی دقیق و اثبات صدور قطعی آن می‌پردازد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۱۷

بخش یکم حدیث ولایت و راویان آن ... ص: ۱۷

اشارهٔ

بی‌تردید شیعه و سنّی نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

أنت ولیّ کلّ مؤمن بعدی. «۱»

تو پس از من ولی هر مؤمن هستی.

افرادی از صحابه و بسیاری از مشاهیر پیشوایان اهل تسنّن این حدیث شریف را نقل کرده‌اند.

اصحابی که حدیث ولایت از آن‌ها روایت شده ... ص: ۱۷

اهل تسنّن، حدیث ولایت را از برخی صحابه نقل کرده‌اند. برخی از این اصحاب از مشاهیر و بزرگان اصحاب به شمار می‌روند. برای نمونه، امیر مؤمنان علی علیه السلام در رأس آنان قرار دارد. آنان عبارتند از:

۱. امیر مؤمنان علی علیه السلام؛

---

(۱) ر. ک صفحه ۲۱ از همین کتاب.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۱۸

۲. امام حسن مجتبی علیه السلام سبط پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله؛

۳. عبداللَّه بن عبّاس؛

۴. ابو ذرّ غفاری؛

۵. ابو سعید خُدْری؛

۶. براء بن عازب؛

۷. عمران بن حصین؛

۸. ابو لیلا انصاری؛

۹. بریدهٔ بن حصیب؛

۱۰. عبداللَّه بن عمر؛

۱۱. عمرو بن عاص؛

۱۲. وهب بن حمزه.

راویان حدیث ولایت ... ص: ۱۸

مشهورترین پیشوایان و حافظان و بزرگان حدیث که در طول ادوارِ مختلف، حدیث ولایت را از اصحاب نام‌برده، روایت کرده‌اند و در کتاب‌هایشان آورده‌اند، عبارتند از:

۱. ابو داوود طیالسی، نویسنده المسند؛

۲. ابوبکر بن ابی شِیبه، نویسنده المصنَّف؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۱۹

۳. احمد بن حنبل، پیشوای حنابله، نویسنده المسند؛

۴. ابوعیسی تِرمذی، نگارنده الصّحیح؛

۵. نَسایی، نگارنده السُّنن؛

۶. ابویعلی موصلی، نگارنده المسند؛

۷. ابوجعفر طبری، نگارنده دو کتاب معروف تاریخ طبری و تفسیر طبری؛

۸. ابوحاتم ابن حِبّان، نویسنده الصّحیح؛

۹. ابوالقاسم طبرانی، نویسنده المعجم الکبیر و الاوسط و الصّغیر؛

۱۰. حاکم نیشابوری، نویسنده المستدرک؛

۱۱. ابوبکر ابن مردویه، نویسنده التّفسیر؛

۱۲. ابونعیم اصفهانی، نویسنده حلیهٔ الاولیاء و کتاب‌های دیگر؛

۱۳. خطیب بغدادی، نویسنده تاریخ بغداد؛

۱۴. ابن عبدالبَرّ، نگارنده الإستیعاب؛

۱۵. ابن عساکر، نگارنده تاریخ مدینهٔ دمشق؛

۱۶. ابن اثیر جَزَری، نگارنده اسد الغابه؛

۱۷. ضیاء مَقْدِسی، نگارنده المختاره؛

۱۸. بغوی، نگارنده مصابیح السّنّه و تفسیر معروف به معالم التّنزیل؛

۱۹. حافظ شمس الدّین ذهبی، نویسنده کتاب‌های معروف؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۲۰

۲۰. ابن حجر عسقلانی، نگارنده فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، الإصابه و کتاب‌های معروف دیگر؛

۲۱. حافظ جلال الدّین سیوطی، نگارنده کتاب‌های معروف و بسیار؛

۲۲. قسطلانی، نویسنده ارشاد السّاری فی شرح صحیح البخاری؛

۲۳. متّقی هندی، نویسنده کنز العمّال؛

۲۴. حافظ محمّد بن یوسف صالحی، نویسنده السّیرهٔ الشّامیّه؛

۲۵. ابن حجر هیثمی مکّی، نگارنده الصّواعق المحرقه؛

۲۶. ملّا علی قاری هروی، نگارنده مرقاهٔ المفاتیح فی شرح مشکاهٔ المصابیح؛

۲۷. عبدالرّئوف مَنّاوی، نویسنده فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر؛

۲۸. علّامه هند و محدّث بزرگ شاه ولی اللّه دهلوی، نگارنده کتاب‌های بسیار و نیز صاحب مدرسه معروف در دهلی هندوستان.

اینان و نیز گروه دیگری حدیث شریف ولایت را از آن دوازده نفر صحابی روایت کرده‌اند که نام آنان گذشت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۲۱

بررسی متن حدیث ولایت و تصحیح اسناد آن ... ص: ۲۱

در بین دوازده صحابی که نام آنان گذشت، بیشتر نقل‌های حدیث ولایت به سه نفر می‌انجامد، یعنی سلسله اسناد راویان و ناقلان حدیث ولایت بیشتر به این سه نفر ختم می‌شود که عبارتند از:

۱. عبداللّٰه بن عبّاس؛

۲. بریدهٔ بن حصیب؛

۳. عمران بن حصین.

حدیث ولایت به روایت ابن عبّاس ... ص: ۲۱

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، عبداللّٰه بن عبّاس از راویان حدیث شریف ولایت است. علمای اهل سنّت از او فقط مقداری از حدیث ولایت را آن هم به سه گونه نقل کرده‌اند که خوش بختانه همان اندازه نیز برای شاهد و استدلال بس است:

۱. ابو داوود طیالسی در کتاب مسند خود می‌نویسد: ابن عبّاس گوید: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود:

انْتَ وَلِیُّ کُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدی. «۱»

(یا علی!) تو پس از من سرپرست و کارگزار هر مؤمن هستی.

---

(۱) مسند ابی داوود طیالسی: ۳۶۰، شماره ۲۷۵۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۲۲

۲. بنا بر روایت حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک از ابن عبّاس پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرمود:

انْتَ وَلِیُّ کُلِّ مُؤْمِنٍ بَعدی ومُؤْمِنَةٍ. «۱»

(یا علی!) تو پس از من سرپرست و کارگزار هر مرد و زن مؤمن هستی.

۳. احمد بن حنبل در کتاب مسند از ابن عبّاس روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه وآله فرمود:

انْتَ وَلِیّی فی کُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدی. «۲»

(یا علی!) تو پس از من سرپرست و کارگزار هر مؤمن هستی.

بنا بر این، رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله، حضرت علی علیه السلام را به سه چیز خطاب کرد. مخفی نماند که در هر سه نقل واژه «بَعْدی» وجود دارد.

این سه عبارت از «ابن عبّاس» در ضمن حدیثی است که ده منقبت را برای امیر مؤمنان علی علیه السلام برمی‌شمرد. ابن عبّاس تصریح می‌کند این مناقب به امیرالمؤمنین علیه السلام اختصاص دارد و هیچ کس از صحابه با آن بزرگوار در هیچ یک از این ده منقبت شریک نیست.

---

(۱) المستدرک: ۳/ ۱۳۴.

(۲) مسند احمد: ۱/ ۵۴۵، ذیل حدیث ۳۰۵۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۲۳

حدیث ولایت به روایت عمران بن حصین و بریدهٔ بن حصیب ... ص: ۲۳

عمران بن حصین و بریدهٔ بن حصیب، از راویان حدیث ولایت به شمار می‌روند. آنان در ضمن حکایتی از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله حدیث ولایت را چنین روایت می‌کنند که آن حضرت فرمود:

عَلِیٌّ مِنّی وَانَا مِنْ عَلِیٍّ وعَلِیٌّ وَلِیُّ کُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدی.

علی، از من است و من از علی هستم و علی سرپرست وکارگزار هر مؤمنی بعد از من است.

چکیده بررسی ... ص: ۲۳

تا کنون چند مطلب روشن شد:

۱. دوازده نفر از صحابه حدیث ولایت را از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نقل کرده‌اند که در میان آنان، مانند امیرالمؤمنین و امام مجتبی علیهما السلام به چشم می‌آیند.

۲. راویان حدیث ولایت از این دوازده نفر، مشهورترین پیشوایان و بزرگان حدیث شناس و حافظان اهل تسنّن هستند.

۳. متن «حدیث ولایت» و الفاظی که ما بدان استدلال خواهیم کرد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۲۴

بررسی روایت عبداللَّه بن عبّاس ... ص: ۲۴

همان گونه که پیش‌تر آمد، عبداللَّه بن عبّاس از راویان این حدیث شریف است. این سند در مسندهای احمد، ابوداوود طیالسی، المستدرک حاکم نیشابوری و کتاب‌ها و منابع مهم دیگری وجود دارد. بدیهی است که این سند به طور قطع صحیح و خدشه‌ناپذیر است؛ چرا که بزرگان از پیشوایان اهل تسنّن، مانند ابن عبدالبرّ در کتاب الإستیعاب، حافظ مِزّی نگارنده کتاب تهذیب الکمال، جلال الدین سیوطی، متّقی هندی و دانشمندان دیگر، به صحّت آن تصریح کرده‌اند. «۱» برای مثال، حافظ شمس الدّین ذهبی در رساله‌ای درباره حدیث غدیر، «۲» «حدیث ولایت» را نیز از بریده نقل می‌کند و چنین می‌نویسد:

«صدور این حدیث از بریده ثابت و قطعی است».

بدیهی است که عبارت حافظ ذهبی در ثبوت «حدیث ولایت» تصریح دارد.

---

(۱) الإستیعاب فی معرفهٔ الاصحاب: ۳/ ۱۰۹۲، تحفهٔ الاشراف: ۵/ ۱۹۱، شماره ۶۳۱۶، تهذیب الکمال: ۲۰/ ۴۸۱، القول الجلیّ فی مناقب علیّ علیه السلام: ۶۰، کنز العمّال: ۱۱/ ۶۰۸.

(۲) رساله مخطوطی که علّامه محقق سیّد عبدالعزیز طباطبایی رحمه اللَّه بدان دست یافته‌و تحقیق کرده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۲۵

نتیجه سخن این که سند حدیث ولایت از ابن عبّاس صحیح است. بررسی اسانید و تحقیق درباره حال راویان سند این حدیث، نشان می‌دهد که پیشوایان بزرگ علم رجال از اهل سنّت، همگی به صحّت حدیث ولایت اعتراف نموده‌اند.

بررسی اسناد حدیث ولایت به نقل از عمران بن حصین ... ص: ۲۵

عمران بن حصین یکی دیگر از راویان حدیث ولایت است.

ابن ابی شِیبه، استاد بُخاری از جمله افرادی است که حدیث او را نقل کرده و به صحّت آن تصریح نموده است، آن سان که در کنز العمّال «۱»

نقل شده، ابن ابی شِیبه این حدیث شریف را در کتاب المصنَّف آورده و به صحّت آن تصریح نموده است. «۲» محمّد بن جریر طبری از جمله ناقلان حدیث عمران به شمار می‌رود که از اعلام عامّه و مورد اعتماد آنان در تاریخ و تفسیر است.

جلال الدین سیوطی و متقی هندی نیز از جمله کسانی هستند که بر صحّت طریق نقل از عمران بن حصین تصریح نموده‌اند. «۳»

---

(۱)

کنز العمّال: ۱۱/ ۶۰۸.

(۲) المصنَّف: ۷/ ۵۰۴.

(۳) القول الجلیّ فی مناقب علیّ علیه السلام: ۶۰.

البته حدیث ولایت به نقل از عمران، از دیگر نقل‌ها مفصّل‌تر است. متن روایت عمران بن حصین به نقل از متّقی هندی در کنز العمّال «۱»

در زیر می‌آید:

ابن ابی شِیبه و ابوجعفر طبری از عمران بن حصین نقل می‌کنند که رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله سَریّه‌ای «۲» را به ناحیه‌ای فرستاد و علی علیه السلام را فرمانده آنان قرار داد. آن سپاه در حالی که غنایمی به دست آورده بودند، پیروز شدند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد غنایم جنگی تصمیمی گرفت که خوش آیند عدّه‌ای از آنان نبود.

در برخی از نقل‌ها آمده است که امیر مؤمنان علیه السلام از میان غنایم، کنیزی را برای خود برگزید.

چهار نفر از لشکریان تصمیم گرفتند که هر گاه به مدینه رسیدند و با رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله دیدار کردند، قضیّه را به سمع مبارک آن حضرت برسانند.

سپاهیان اعزامی بنا بر رسم، هنگام بازگشت به مدینه، ابتدا به محضر رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله شرف‌یاب می‌شدند و به آن حضرت سلام می‌کردند، به رخساره مبارک ایشان نظر می‌نمودند سپس به

---

(۱) کنز العمّال: ۱۳/ ۱۴۲، حدیث ۳۶۴۴۴.

(۲) سَریّه، قطعه‌ای از لشکر است که تعداد آنان از پنج نفر تا سیصد یا چهارصد نفر باشد.

خانه‌هایشان برمی گشتند.

زمانی که سپاهیان به مدینه رسیدند و برای عرض سلام به محضر رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله شرف‌یاب شدند، یکی از آن چهار تن برخاست و چنین عرض کرد: «ای رسول خدا! آیا نظر نمی‌فرمایید که علی از غنایم کنیزی برداشته است»؟

رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله از او روی برگرداند. پس از آن دومین نفر از آن چهار تن و آن گاه سومی برخاست و همان گونه گفت. حضرت در هر باری، روی مبارک خویش را از اعتراض کننده برمی گرداند تا این که نوبت به شخص چهارم رسید. پس از گفتار وی، رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله در حالی که آثار خشم از چهره نازنینش هویدا بود، فرمود:

ما تریدون من علی؟ ما تریدون من علی؟ علیّ منّی وأنا من علی، وعلیّ ولیّ کلّ مؤمن بعدی.

از علی چه می‌خواهید؟ از علی چه می‌خواهید؟ علی از من است و من از علی هستم، علی سرپرست هر مؤمنی است بعد از من.

این روایت به سان کنز العمّال در کتاب المصنَّف نیز آمده و به همین سان، طبری نیز از عمران بن حصین روایت کرده است.

البته این روایت با همین متن در مسند احمد بن حنبل نیز آمده است. وی بخش پایانی روایت را این گونه نقل کرده است:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به فرد چهارمی رو کرد و در حالی که رنگ رخساره مبارکش تغییر یافته بود، فرمود:

دعَوْا علیّاً، دعَوْا علیّاً، إنّ علیّاً منّی وأنا منه وهو ولیّ کلّ مؤمن بعدی. «۱»

دست از علی بردارید، دست از علی بردارید، به راستی که علی از من است و من از او هستم. او سرپرست هر مؤمنی بعد از من است.

تِرمذی نیز در صحیح خود ذیل روایت را این گونه نقل می کند:

هنگامی که چهارمین فرد برخاست و اعتراض خود را بیان کرد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در حالی که آثار خشم از چهره مبارکش هویدا بود، فرمود:

ما تریدون من علی؟ ما تریدون من علی؟ إنّ علیّاً منّی وأنا منه وهو ولیّ کلّ مؤمن بعدی. «۲»

از علی چه می‌خواهید؟ از علی چه می‌خواهید؟ به راستی که علی از من است و من از او هستم و او سرپرست هر مؤمنی بعد از من است.

---

(۱) مسند احمد: ۴/ ۴۳۸.

(۲) سنن تِرمذی: ۶/ ۷۸، حدیث ۳۷۱۲.

آری! حدیث ولایت به روایت عمران بن حصین در کتاب صحیح ابن حِبّان، «۱» خصائص نَسایی «۲» و المستدرک حاکم نیشابوری «۳» نیز نقل شده است. حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث، این حدیث را دارای شرایط صحّتی برشمرده که مسلم آن‌ها را معتبر می‌داند، ولی با وجود این بُخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند.

گفتنی است که حدیث ولایت به روایت عمران در منابع دیگر نیز آمده است.

حدیث ولایت به روایت بریدهٔ بن حصیب ... ص: ۲۹

بریدهٔ بن حصیب نیز از راویان این حدیث است. وی در این جریان تاریخی حضور داشته است؛ همان شخص چهارمی که به اعتراض بر امیر مؤمنان علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آمد و آن حضرت در مقام دفاع از امیر مؤمنان و ردّ بر اعتراض وی، به گونه عتاب‌آمیز پاسخ فرمود. گفتنی است که در آن نقل‌ها به نام شخص

---

(۱) صحیح ابن حِبّان: ۱۵/ ۳۷۳، شماره ۶۹۲۹.

(۲) خصائص علی علیه السلام: ۱۴۳، فضائل الصحابه: ۱۴، حدیث ۴۳، سنن الکبری: ۵/ ۱۳۲.

(۳) المستدرک: ۳/ ۱۱۰ و ۱۱۱.

چهارم (بریده) اشاره نکرده‌اند. وی داستان این حدیث را به گونه کامل برای فرزندش عبداللَّه این گونه نقل کرده است:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله دو سپاه به سوی یمن فرستاد؛ بر یکی از آن‌ها علی بن ابی‌طالب علیه السلام و بر دیگری خالد بن ولید را فرمانده قرار داد و فرمود:

إذا کان قتال فعلی علی الناس کلّهم.

اگر جنگ سر گرفت، علی فرمانده هر دو لشکر خواهد بود.

سپاهیان اسلام با سپاه یمن درگیر و رو به رو شدند. علی علیه السلام بنا بر فرمان رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرماندهی هر دو سپاه اسلام را بر عهده گرفت و خالد بن ولید از آن حضرت فرمان پذیرفت. علی علیه السلام در این جنگ قلعه‌ای فتح کرد.

بریده می گوید: «سپاهیان اسلام به غنایمی دست یافتند. علی یک پنجم آن را جدا کرد و در ضمن، کنیزی نیکو صورت را به خود اختصاص داد. او از خیمه خود در حالی بیرون آمد که آب غسل از سرش جاری بود» (!)

بریده می گوید: «من همواره بغض و کینه علی را در سینه نهان کردم و هرگز کینه کسی را چون او به دل نداشتم. از سویی، خالد را

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۳۱

خیلی دوست داشتم و مهرورزی من به او فقط به دلیل کینه و دشمنی او با علی بود؛ چرا که خالد همواره کینه علی را در دل داشت. وقتی علی کنیز را از سهم خمس به خود اختصاص داد، خالد بن ولید مرا به نزد خود خواند و گفت: این کار را از علی غنیمت بدان و خبر آن را برای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله گزارش کن».

متن این حدیث بدین گونه در کتاب المعجم الاوسط «۱»

طبری آمده است، امّا ابن عساکر این حدیث را در کتاب تاریخ دمشق چنین ادامه می‌دهد:

خالد بن ولید به بریده گفت: «ای بریده! این عمل علی را در خاطر داشته باش»!

بریده می گوید: «خالد بن ولید درباره این ماجرا به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نامه‌ای نوشت به من نیز سفارش کرد که از علی نزد پیامبر بدگویی کنم».

البته عبارت نَسایی نیز به همین مضمون است.

ابن عساکر در کتاب تاریخ دمشق می‌افزاید:

بریده می گوید: «خالد نامه‌ای نوشت که سراسر آن بدگویی درباره

---

(۱) المعجم الاوسط: ۶/ ۱۶۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۳۲

علی بود و آن را به من داد تا نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله ببرم. او به من دستور داد که نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از بدگویی درباره علی کوتاهی نکنم و برای انجام این مأموریت، سه نفر را به همراه من فرستاد. «۱» گویی می‌خواست با این کار در مقابل عملی که از حضرت علی علیه السلام سر زده بود، در نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیّنه و شهود لازم اقامه کند».

ادامه این واقعه بنا به نقل طبرانی در کتاب المعجم الاوسط «۲»

و دیگر مصادر معتبر اهل تسنّن این گونه است:

بریده می گوید: «وارد مدینه شدم و به مسجد رفتم.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در منزل بود و گروهی از یارانش بر در خانه پیامبر بودند. آن‌ها گفتند: چرا زودتر از دیگران خود را به مدینه رسانده‌ای؟

گفتم: به دلیل کنیزکی است که علی از خمس غنایم جنگی برداشته است. آمده‌ام این خبر را به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله گزارش دهم.

آن‌ها گفتند: آری این خبر را به پیامبر برسان؛ زیرا با این خبر علی

(۱) تاریخ مدینهٔ دمشق ترجمهٔ الامام علی علیه السلام: ۱/ ۴۰۰، حدیث ۴۶۶.

(۲) المعجم الاوسط: ۵/ ۲۱۷، شماره ۴۸۴۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۳۳

از چشم پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌افتد» (!)

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله این گفت و شنودها بین من و آن‌ها را در منزلش می‌شنید.

در این هنگام رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از اتاق بیرون آمد. یکی از آن چهار نفر برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا نظر نمی‌کنی که علی چه کرده است؟ و قضیّه کنیز را خبر داد.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله روی مبارک از او برگرداند و جوابی نفرمود. دومین و سومین نفری که همراه بریده بودند نیز به همین گونه اظهار نظر کردند، ولی رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از آنان نیز روی گرداند.

بریده می‌گوید: «من نامه خالد را به پیامبر تقدیم کردم. او با دست چپ نامه را از من گرفت. من سرم را پایین انداختم و شروع به بدگویی از علی کردم تا این که سخنانم به پایان رسید و سرم را بلند کردم».

در برخی از متون آمده است: بریده گوید: «من از کسانی بودم که بغض و کینه زیادی از علی داشتم. از این رو، از علی بد گفتم و کلامم که به پایان رسید، سرم را بالا گرفتم. ناگاه آن چنان خشمی در چهره رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله مشاهده نمودم که مانند آن را جز در جنگ با یهود بنی قریظه و بنی نضیر ندیده بودم. سپس پیامبر فرمود:

ماذا تریدون من علی؟ ماذا تریدون من علی؟ ماذا تریدون

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۳۴

من علی؟ إنّ علیّاً منّی وأنا منه وهو ولی کلّ مؤمن بعدی.

از علی چه می‌خواهید؟ از علی چه می‌خواهید؟ از علی چه می‌خواهید؟ به راستی که علی از من است و من از علی هستم و او سرپرست هر مؤمنی بعد از من است».

و شنیدنی است که بنا بر نقل سنن الکبری تألیف بیهقی، معرفهٔ الصِّحابه تألیف ابونُعَیْم اصفهانی، تاریخ مدینهٔ دمشق نگارش ابن عساکر، سُبُل الهُدی والرَّشاد و منابع دیگر، بریده می‌گوید: سپس رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به آنان فرمود:

إنّ له فی الخمس أکثر من ذلک. «۱»

به راستی که بهره علی ازخمس بیش ازاین است.

از طرفی طبق نقل حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک، ضیاء مَقْدِسی در کتاب المختاره، طبرانی در المعجم الاوسط و منابع معتبر دیگر، پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنّه [أی علی!] لا یفعل إلّاما یؤمر. «۲»

به راستی که علی جز آن چه را بدان مأمور است، انجام نمی‌دهد.

(۱) سنن الکبری: ۶/ ۳۴۲، معرفهٔ الصحابه: ۱/ ۳۷۴، حدیث ۲۵۷، تاریخ مدینهٔ دمشق: ۴۲/ ۱۹۴، سبل الهدی والرشاد: ۶/ ۲۳۶.

(۲) المعجم الاوسط: ۶/ ۱۶۲، تاریخ مدینهٔ دمشق: ۴۲/ ۱۹۱، سبل الهدی والرشاد: ۱۱/ ۲۹۵، کنز العمّال: ۱۱/ ۶۱۲، حدیث ۳۲۹۶۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۳۵

در متن دیگری آمده است: حضرتش فرمود:

إنّما یفعل علی بما یؤمر به.

علی فقط به آن چه که مأمور است عمل می کند.

سپس رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به بریده رو نمود و فرمود:

أنافقت من بعدی یا بریدهٔ؟!

ای بریده! آیا بعد از جدا شدن از من، منافق شدی؟!

بریده عرض کرد: «ای رسول خدا! آیا دست خود را نمی گشایید تا از نو با شما بر اسلامم بیعت کنم»؟

بریده می‌افزاید: «از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله جدا نشدم، مگر این که بر اسلام با او بیعت نمودم. آن گاه از میان جمعیت در حالی برخاستم که کسی از مردم در نزد من محبوب‌تر از علی نبود».

بدیهی است که راویان از عمران بن حصین و بریدهٔ بن حصیب این واقعه را بسیار متفاوت نقل کرده‌اند.

چنان که پیداست این واقعه را تحریف کرده‌اند؛ یکی از خودش چیزی به آن افزوده، دیگری به دل‌خواه مقداری از آن را حذف کرده، سومی بخشی را نقل نموده و از نقل بخش دیگر خودداری ورزیده (!!) و برخی هم واقعه را به طور ناقص و بدون ذیل ذکر کرده‌اند!

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۳۶

متون حدیث ولایت به نقل از راویان گوناگون به ویژه متنی که بریدهٔ بن حصیب که خود سبب صدور «حدیث ولایت» از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بوده، نقل گردید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۳۹

بخش دوم نگاهی به دلالتهای حدیث ولایت ... ص: ۳۹

حدیث ولایت بیان‌گر عصمت ... ص: ۳۹

همان گونه که پیش‌تر بیان شد، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در ذیل قضیّه بریده تعبیرهای متفاوتی را درباره علی علیه السلام فرموده است، چنان که فرمود:

إنَّ علیّاً لا یَفْعَلُ إلّاما یُؤْمَرُ بِهِ.

به راستی که علی انجام نمی‌دهد مگر آن چه را بدان امر شده است.

در سخن دیگری فرمود:

إنَّما یَفْعَلُ ما امِرَ بِهِ.

علی فقط آن چه را بدان امر شده انجام می‌دهد.

این تعبیرها به وضوح بر عصمت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت می‌نمایند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۰

در واقع، این تعبیر رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله صغرای کبرای کلّی و یا تعیین یکی از مصادیق آیه قرآن است؛ آن جا که خداوند

متعال می‌فرماید:

«بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ* لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ». «۱» (این گونه نیست که فرشتگان فرزندان خداوند باشند آن سان که مشرکان پنداشته‌اند) بلکه آنان بندگان شایسته خداوند هستند که هیچ گاه در سخن بر او پیشی نمی گیرند و همواره فرمان او را انجام می‌دهند.

اکنون مناسب است بخشی از خطبه‌ای که شیخ طوسی رحمه اللَّه در کتاب مصباح المتهجّد از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده، بیان شود.

شیخ طوسی رحمه اللَّه می گوید: امیر مؤمنان علی علیه السلام در روز غدیر خطبه‌ای ایراد کرد و در بخشی از آن فرمود:

وأنّ اللَّه اختصّ لنفسه بعد نبيّه صلی اللَّه علیه وآله من بريّته خاصّةً؛ اختصّ منهم- أی‌من الخلائق بعد النبی صلی اللَّه علیه وآله- خاصّةً علاهم بتعليته وسما بهم إلى رتبته، وجعلهم الدعاۀ بالحق إليه والأدلّاء بالرشاد عليه، لقرن قرن وزمن زمن.

---

(۱) سوره انبیاء: آیه ۲۶ و ۲۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۱

أنشأهم فی القدم قبل كلّ مدر ومبر، وأنواراً أنطقها لتحمده، وألهمها شكره وتمجيده، وجعلهم الحجج على كلّ معترف له بملكة الربوبية وسلطان العبودية، واستنطق بها الخراسات بأنواع اللغات، بخوعاً له بأنّه فاطر الأرضين والسماوات.

وأشهدهم على خلقه، وولّاهم ما شاء من أمره، جعلهم تراجمة مشيّته وألسنة إرادته، عبيداً [مع ذلک هم عبيد] لا يسبقونه بالقول وهم بأمره يعملون، يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يشفعون إلّا لمن ارتضى وهم من خشيته مشفقون. «۱»

و به راستی که خدای تعالی بعد از رسولش صلی اللَّه علیه وآله از بین بندگانش، عدّه‌ای را مخصوص به خود گردانید؛ گروهی که آن‌ها را رفعت مقام و علوّ درجه عطا فرمود و آنان را در قرون متمادی فراخوانان حقیقی به سوی خود ودلالت کنندگان بر خویش قرار داد.

انوار آن‌ها را پیش از آفرینش جمیع موجودات آفرید و آن انوار مقدّس را به حمد خود ناطق فرمود، مقام شکر و بزرگداشتش را به آنان الهام نمود و آن‌ها را بر هر بنده‌ای که سر تعظیم در مقابل

---

(۱) مصباح المتهجّد: ۷۵۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۲

سلطان حقّ تبارک و تعالی فرود آورده باشد، حجّت قرار داد.

به وسیله این انوار با موجوداتی که به خودی خود قادر به تکلّم نبودند، به انواع لغت‌ها سخن گفت تا همه در مقابل این حقیقت که «او تبارک و تعالی آفریننده زمین‌ها و آسمان‌هاست» معترف و مقِرّ باشند.

آن بندگان خاص را شاهد بر مخلوقاتش قرار داد و از تصرّفاتش آن چه را می‌خواست به آنان واگذار نمود.

آنان را بیان گر مرادهای خودش و زبانِ گویای خواسته‌هایش از خلق قرار داد، «۱» در حالی که اینان، با همه این مقامات، بندگان او هستند و در گفتارشان از خدا پیشی نمی گیرند و فقط بر طبق امر حقّ تبارک و تعالی عمل می کنند. خداوند متعال همه چیز پیش و پس روی آنان را می‌داند و آنان شفیع نمی‌شوند، مگر به کسانی که خدای تعالی راضی است، و آنان به جهت ترس عالمانه‌ای که از حق تعالی دارند، در مقام خائفان هستند.

آری، این‌ها مقامات کسانی است که جز به فرمان حقّ تبارک و تعالی به کاری اقدام نمی‌نمایند؛ بندگانی که مورد اکرام و عنایت

(۱) همین تعبیر بیان‌گر عصمت صاحبان این مقامات است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۳

و تفضّل خاصّ خدای منّان هستند، یعنی مقرّب درگاه الهی هستند و آنان در مقام گفتار بر حضرت حق پیشی نمی‌گیرند، تا گفتاری از خدای متعال به آنان نرسد، بدان تکلّم نمی‌کنند و در مقام عمل نیز جز به آن چه امر به آن شده‌اند، اقدام نمی‌نمایند.

نتیجه سخن این که فرمایش رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در حدیث ولایت با همین مضامین تطبیق کرده و همه این‌ها عصمت صاحب این مقامات را بیان می‌کند.

حدیث ولایت بیان‌گر ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام ... ص: ۴۳

اشارهٔ

همان طور که پیش‌تر اشاره شد، جهت دوم در بررسی حدیث ولایت این است که این حدیث، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان می‌کند؛ آن جا که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

علی منّی وأنا من علی وهو ولیّکم من بعدی.

علی از من است و من از علی هستم و او ولی و سرپرست شما پس از من است.

با استدلال به این سخن، اولویت در تصرّف برای علی علیه السلام ثابت می‌شود و البته این اولویت، مستلزم امامت است. این استدلال را از شش محور پی می‌گیریم:

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۴

الف) انحصار ولایت ... ص: ۴۴

نخست آن که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

وَهُوَ وَلِیُّکُمْ مِنْ بَعْدِی.

او ولی و سرپرست شما پس از من است.

آن حضرت با این سخن، ولایت و اولویت تصرف را منحصر در امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود؛ زیرا پرواضح است که معانی دیگر ولایت مانند نصرت، محبت و موارد دیگر از امور مختص به حضرت علی علیه السلام نیست.

ب) بعدیّت زمانی ... ص: ۴۴

دوم آن که در تمام یا دست کم در بیشتر متون حدیث ولایت واژه «بَعْدِی» وجود دارد و خود این واژه صریح در مدّعای ماست؛ چرا که «بَعْدی» یا زمانی است و یا رتبی.

ممکن است با نظری سطحی، چنین به نظر آید که «بَعْدِی» موجود در حدیث ولایت رتبی است، نه زمانی که نتیجه فرمایش رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله این خواهد بود: مقام ولایت علی علیه السلام، پایین‌تر از مقام ولایت من است و کسی که در مرتبه پس از مقام من بر شما ولایت دارد، علی علیه السلام است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۵

ولی باید گفت که مراد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله «بَعْدی» زمانی است. از این رو، بنا بر «حدیث ولایت» امیر مؤمنان علیه السلام ولیّ بلافصل مؤمنان بعد از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله است و اگر «بَعدی» در این حدیث، زمانی نبود، وجهی نداشت که برخی به تحریف این حدیث بپردازند و واژه «بعدی» را حذف نمایند. اشاره به این مطلب در پی خواهد آمد.

ج) متون دیگری از حدیث ولایت ... ص: ۴۵

حدیث ولایت، افزون بر عبارت پیش گذشته، با الفاظ دیگری نیز نقل گردیده است. آن الفاظ بدون هیچ گونه تردیدی بر امامت و اولویت امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت می‌نمایند. برای نمونه، احمد بن حنبل در کتاب المسند، حاکم نیشابوری در المستدرک، ابن عساکر در تاریخ مدینهٔ دمشق و افراد دیگری در کتاب‌های دیگر، همگی در قضیّه بریده از خود او چنین نقل می‌کنند که بریده گوید: هنگامی که به حضور رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله رسیدم، از علی سخن به میان آوردم و به بدگویی و عیب‌گویی درباره او پرداختم، اما دیدم که رنگ رخساره پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله تغییر یافت و فرمود:

یا بریدهٔ! ألست أولی بالمؤمنین من أنفسهم؟

ای بریده! آیا من بر مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۶

گفتم: آری، ای رسول خدا!

فرمود:

فمن کنت مولاه فعلیٌّ مولاه. «۱»

پس هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست.

این سخن همان گونه است که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در روزهای پایانی زندگی خود در روز غدیر به مسلمانان فرمود.

مسند احمد بن حنبل، تاریخ مدینهٔ دمشق و منابع دیگر به چندین سند، چنین نقل می‌کنند که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بعد از این عبارات فرمود:

یا بریدهٔ! من کنت ولیّه فعلیٌّ ولیّه. «۲»

ای بریده! هر کس من ولیّ او هستم پس علی ولیّ اوست.

د) مناقب و فضایل دیگر ... ص: ۴۶

ضمن متن حدیث ولایت، مناقب دیگری برای امیر مؤمنان علی علیه السلام بیان شده که به آن بزرگوار اختصاص دارد و صحابه

---

(۱) مسند احمد: ۵/ ۳۴۷، المستدرک: ۳/ ۱۱۰، تاریخ مدینهٔ دمشق: ۴۲/ ۱۸۷.

(۲) تاریخ مدینهٔ دمشق: ۴۲/ ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۳ و ۱۹۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۷

دیگری با آن حضرت در آن مناقب شریک نیستند. برای نمونه، در کتاب المعجم الاوسط طبرانی آمده است که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در ضمن این حکایت می‌فرمود:

ما بال أقوام ینتقصون علیّاً؟ من ینتقص علیّاً فقد تنقّصنی، ومن فارق علیّاً فقد فارقنی، إنّ علیّاً منّی وأنا منه، خلق من طینتی وخلقت من طینهٔ إبراهیم وأنا أفضل من إبراهیم «ذُرِّیَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ». «۱» چه خیالی در سر می‌پرورانند آنان که در مقام

بدگویی و عیب‌گیری درباره علی برآمده‌اند؟ هر کس علی را خُرده بینگارد، مرا خرده انگاشته و کسی که از علی کناره بجوید، از من کناره گرفته است. به راستی که علی از من است و من از او هستم.

او از طینت من آفریده شده و من از طینت ابراهیم آفریده شده‌ام ومن از ابراهیم برترم. «نسلی که بعضی از آنان از دیگری است و خداوند شنوا و داناست». «۲» با نگاه به این مناقب و فضایل که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده، وجود چنین فضایلی برای آن

---

(۱) سوره آل عمران: آیه ۳۴.

(۲) المعجم الاوسط: ۶/ ۱۶۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۸

حضرت اثبات می‌شود.

افزون بر این، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرموده است:

إنّه لا یفعل إلّاما یؤمر به.

به راستی او فقط کاری را انجام می‌دهد که به او دستور داده شده است.

این حدیث با چندین تعبیر، فضایل دیگری را نیز برای امیر مؤمنان علی علیه السلام یاد می‌کند.

ه) تصریح ابن عبّاس ... ص: ۴۸

ابن عبّاس همین فضیلت و منقبت ولایت را در ضمن فضایل امیر مؤمنان علی علیه السلام ذکر می‌کند و تصریح می‌نماید که این مناقب ویژه آن حضرت است.

چنان که پیش‌تر حدیث ابن عبّاس از مسند طیالسی، مسند احمد و المستدرک حاکم نقل گردید، صاحبان این کتاب‌ها و کتاب‌های دیگر به صحت سند حدیث ابن عبّاس تصریح نموده‌اند.

و) حدیث ولایت در آغاز دعوت ... ص: ۴۸

حدیث ولایت با همین الفاظی که بدان استدلال می‌شود، از جمله

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۴۹

فرمایش‌های رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در «حدیث یوم الدّار» در آغاز فراخوانی و دعوت محمّدی صلی اللَّه علیه وآله است که آن حضرت فرمود:

من یبایعنی علی أن یکون أخی وصاحبی وولیّکم بعدی؟

چه کسی با من بیعت می‌کند که برادر، همراه من و «ولیّ» شما بعد از من باشد؟

کوتاه سخن این که ظاهر یا صریح حدیث ولایت بر اولویّت امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت دارد و مراد از کلمه «ولیّ» کاملًا واضح و روشن است.

افزون بر این، قراین متصل و منفصل دیگری در درون و بیرون حدیث وجود دارد که بنا بر آن‌ها واژه «ولیّ» در حدیث ولایت بر عصمت و اولویّت دلالت دارد.

این حدیث و حکایت فواید بسیاری در بر دارد که شایسته است پژوهش‌گران درباره آن‌ها بیندیشند.

وجود نفاق و حرکت منافقانه در دوران رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله ... ص: ۴۹

با توجّه به حدیث ولایت و متونی که از این واقعه ارائه شد، درمی‌یابیم که در زمان خود پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله، نیز نفاق سایه زشت خود را بر سر عده‌ای از سران صحابه، بلکه فرمان داران لشکرهای اعزامی آن حضرت افکنده بود و منافقان تنها عبداللَّه بن ابَی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۵۰

و دیگران نبوده‌اند؛ همان افرادی که به نفاق و دورویی معروف و مشهور و در بین مردم انگشت‌نما بودند.

حدیث ولایت پرده ابهام را از رازها و حالات پنهانی مقربان و نزدیکان از اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله برمی‌دارد.

چه خوب بود اگر همه افرادی را که خالد بن ولید همراه بریده- بی‌آن که امیر مؤمنان علی علیه السلام متوجّه شوند- به مدینه فرستاد نیز می‌توانستیم شناسایی کنیم، گرچه به نام یکی دو نفر از آنان دست‌رس پیدا کرده‌ایم.

و چه جالب بود اگر به مشخصات کسانی که در مدینه، جلوی خانه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله اجتماع کرده بودند، می‌توانستیم دست بیابیم؛ همان افرادی که از بریده و همراهانش استقبال نمودند. به نظر می‌رسد بین خالد بن ولید و یارانش و بین صحابه‌ای که بر در سرای پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله اجتماع کرده بودند، تناسب و سنخیت تامّ بوده است و برای انجام منویّات خود، برنامه‌ریزی‌هایی از پیش داشته‌اند.

نگاهی به دشمنی خالد با امیر مؤمنان علی ... ص: ۵۰

علیه السلام

متن واقعه صراحت دارد که خالد بن ولید با علی علیه السلام دشمنی و کینه داشته است. بریده نیز به این نکته اعتراف می‌نماید و جالب این که خود او نیز به دشمنی با حضرت علی علیه السلام اعتراف می کند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۵۱

هم چنین از این واقعه به خوبی درمی‌یابیم که خالد بن ولید در تمام مدت حیات رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله راه دشمنی با امیر مؤمنان علی علیه السلام را می‌پیموده است.

آری، خالد همان فردی است که ابوبکر بعد از دست یازیدن به منصب خلافت او را به جنگ قبایلی فرستاد که از بیعت با ابوبکر امتناع ورزیدند و از پرداخت زکات به عاملان ابوبکر خودداری نمودند و عقیده خود را درباره امامت علیّ بن ابی طالب علیه السلام به صراحت اظهار نمودند.

ابوبکر به خالد دستور داد که حضرت علی علیه السلام را در میان نماز به قتل برساند، امّا پس از پشیمانی از این تصمیم پیش از این که سلام نمازش را بدهد، گفت:

یا خالد! لا تفعل ما أمرتک به. «۱»

ای خالد! دستوری را که به تو داده‌ام، انجام نده.

این خالد از همان مهاجمانی بود که در ماجرای سقیفه به خانه حضرت علی و فاطمه زهرا علیهما السلام هجوم آوردند.

آری، ابوبکر نیک می‌دانست که چه کسی را برای کشتن یاران امیر مؤمنان علیه السلام بفرستد و به چه کسی مأموریت کشتن آن حضرت

(۱) علل الشرائع: ۱/ ۱۹۲، الاحتجاج: ۱/ ۱۱۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۵۲

را در میان نماز واگذار نماید.

البته ما تا کنون در مصدر معتبری نیافته‌ایم که امیر مؤمنان علی علیه السلام در نماز ابوبکر یا غیر او از دیگر صحابه حاضر شده باشد، ولی در کتاب الانساب سمعانی نکته‌ای نقل شده که در این‌باره بسیار مفید است؛ حضرت علی علیه السلام در نماز ابوبکر حضور داشت که ابوبکر به خالد فرمان داده بود که در میان نماز که در مسجد رسول اللّه صلی اللّه علیه وآله اقامه می‌شود، حضرت علی علیه السلام را به قتل برساند و پس از ندامت، پیش از سلام نماز گفت:

یا خالد! لا تفعل ما أمرتک. «۱»

خالد! فرمانی که به تو داده‌ام انجام نده.

چه بسا کسی هرگز بر این موضوع دست نیابد؛ چرا که کتاب الانساب سمعانی، کتاب روایی و حدیثی نیست. شاید فردی بگوید: همانند این حدیث در کتاب‌های صحاح، مسانید، سنن و معجم‌های حدیثی موجود نیست، ولی خداوند متعال چنین اراده فرمود که این حدیث توسط این کتاب رجالی به ما برسد، گرچه راوی آن، عباد بن یعقوب رواجنی را به جهت نقل روایاتی که بیان‌گر فضایل و مناقب

---

(۱) الانساب سمعانی: ۳/ ۹۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۵۳

امیر مؤمنان علی علیه السلام و بدگویی از دیگران است، به تشیع متّهم می‌نمایند.

در هر صورت خالد بن ولید چنین اوصافی دارد و هم چنان که گذشت، وی در قضیّه کنیز، فرصت را غنیمت شمرد و افرادی را به همراه نامه‌ای به مدینه فرستاد تا آنان هم‌نوا با عده‌ای مانند خود در خُلق و خوی و دشمنی و کینه‌توزی با علی علیه السلام، به هر گونه ممکنی موجبات تنزّل مقام امیر مؤمنان علیه السلام را نزد رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فراهم آورند و گویا برای اجرای این امر بین خالد بن ولید و منافقان سپاه و منافقان مدینه، برنامه‌ریزی دقیق قبلی بوده است.

البته رسول خدا صلی اللّه علیه وآله از تمام این امور باخبر بوده و از سرائر و بواطن و نیّات سوء این گروه آگاهی داشته، ولی آنان که کنار در خانه رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نشسته بودند و مشغول گفت و گو بودند، حتّی نمی‌دانستند که صدایشان از پشت دیوار به گوش پیامبر صلی اللّه علیه وآله رسیده و در همان هنگام، آن بزرگوار خشمگین خارج شد و فرمود:

ما تریدون من علی؟! ما تریدون من علی؟! ما تریدون من علی؟

از علی چه می‌خواهید؟ از علی چه می‌خواهید؟ از علی چه می‌خواهید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۵۴

خالد که بنا بر نقل روایت بدان عیب‌جویی درباره علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی اللّه علیه وآله درآمد، شگفت است که وقتی بر قوم مالک بن نویره تاخت، بر خلاف موازین شرع، کارهایی کرد که فریاد همه مسلمانان را در مدینه به آسمان بلند نمود. او به قتل مالک امر نمود و مالک به همسر خود گفت: تو مرا به کشتن دادی! «۱» خالد بن ولید دل به هوای همسر مالک بسته بود که از زنان زیبای عرب به شمار می‌رفت.

او به هر وسیله‌ای به مقصد شوم خود می‌خواست دست یابد. از این رو، پس از قتل مالک، در همان شب، با همسر او زنا کرد و همین فضیحت موجب شد که فریاد مسلمانان مدینه به آسمان رود.

با وجود چنین جنایتی که دل هر صاحب غیرتی را به درد می‌آورد، کسی بر خالد خرده‌ای نگرفت، ولی حضرت علی علیه السلام که از حقّ خمس کنیزی برداشت، با اعتراض آنان رو به رو شد که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنّ له أكثر من ذلك.

حقّ علی از خمس بیش از آن است.

آری، نقشه‌های شوم، دست‌یاری‌های منافقانه بر ضدّ علی بن ابی طالب علیهما السلام چیز تازه‌ای نیست و همواره تا امروز بوده و آن

(۱) تاریخ مدینهٔ دمشق: ۱۶/ ۲۵۸، سیر اعلام النبلاء: ۱/ ۳۷۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۵۵

حضرت همیشه مظلوم بوده و همیشه دشمنانش در کمینش بوده‌اند، امّا تا کی این مظلومیت ادامه خواهد داشت؟

این جانِ رسول اللَّه صلی اللَّه علیه وآله حتّی از نیّات سوء نزدیکان و خویشان هم در امان نبود. ساقی شراب طهور گویا از خم مظلومیت هر چه در میان بوده، در پیمانه علی علیه السلام و فرزندان پاکش ریخته است.

آری، خدای عالم حکیم چنین خواسته و مصلحت هدایت خلق چنین ایجاب می‌کند که موقعیت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این امت مانند موقعیت هارون علیه السلام در امت موسی علیه السلام باشد. «۱» ماجرای حدیث ولایت، دست‌یاری‌ها و نقشه‌های زیرکانه خالد و هم‌فکرانش و منافقان مدینه بر ضدّ امیرالمؤمنین علیه السلام در آن زمان را نشان می‌دهد.

ولی به رغم همه آنان، تمام نقشه‌ها بر ملا شد و واقعه برخلاف خواسته منافقان، به نفع امیر مؤمنان علی علیه السلام تمام شد، بلکه موجب صدور حدیث ولایت، اعلان رسمی امامت، ولایت و عصمت آن حضرت از نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله گردید، تا جایی که هر کس با علی علیه السلام دشمنی نماید، بایستی استغفار کند و پس از آن، از نو

(۱) گفتنی است که ما در این زمینه در کتاب نگاهی به حدیث منزلت پژوهشی را انجام داده‌ایم که- ان شاء اللَّه- در ضمن سلسله پژوهش‌های اعتقادی چاپ خواهد شد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۵۶

اسلامش را تجدید نماید.

آنان می‌خواستند از این فرصت بر ضدّ علی علیه السلام استفاده کنند، ولی پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله از این فرصت به مصلحت علی علیه السلام و اسلام استفاده کرد.

بغض علی علیه السلام موجب خروج از اسلام ... ص: ۵۶

با توجّه به نقل‌های مختلف حدیث ولایت، به روایت بریدهٔ بن حصیب، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به وضوح به کفر و ارتداد دشمن و مبغض علیّ بن ابی طالب علیه السلام حکم نمود. از همین رو، بریده ناگزیر دوباره اظهار اسلام کرد.

وی می‌گوید: از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله جدا نگشتم، مگر این که از نو بر اسلامم با آن حضرت بیعت کردم و از آن پس کسی در نزد من محبوب‌تر از علی علیه السلام نبود.

البته این مطلب که: «محبّت و دوستی علی علیه السلام جنّت رضوان، و بغض و کینه به او، نار نیران است»، در روایات بی‌شماری و فوق حدّ تواتر در کتاب‌های شیعه و سنّی مذکور است و حتّی کتاب‌های جداگانه‌ای نیز در این زمینه به قلم بزرگان اهل تسنّن در مصر، شامات و سایر کشورها تألیف گردیده که بحث از آن خارج از موضوع این کتاب است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۵۹

بخش سوم بررسی اشکالات بر حدیث ولایت ... ص: ۵۹

نقد مخالفان درباره استدلال به حدیث ولایت ... ص: ۵۹

اشارهٔ

در این بخش اشکالات مخالفان در مقام ردّ حدیث ولایت بیان می‌شود. البته نقدها وارد و گفتنی نیستند و مهم‌ترین اشکالی که بر استدلال حدیث شریف ولایت دارند، مناقشه در معنای «وَلِیُّکُم» است؛ چرا که احتمال می‌رود، مراد از «ولایت» نصرت یا محبّت باشد که مفاد حدیث شریف این گونه خواهد بود:

علی بعد از من ناصر و یاور شماست.

علی بعد از من دوست‌دار شماست.

ولی قراین بسیاری چه در خود «حدیث ولایت» و چه در موارد خارج از حدیث و نیز شأن صدور خود قضیّه «حدیث ولایت»، همه این تردیدها را از میان برمی‌دارند، گرچه خود اشکال کنندگان نیز بر این امر آگاهند؛ زیرا وجود این قراین متّصل و یا منفصل انکارناپذیر است.

از این رو، آنان ناگزیر راه دیگری را پیموده‌اند و به روش دیگری

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۶۰

پناه آورده‌اند.

تنها راهی که بر خود گشوده دیده‌اند، تحریف حدیث شریف به گونه‌های مختلف بوده است. بعضی از موارد تحریف‌ها چنین است:

الف) تحریف حدیث ولایت در ... ص: ۶۰

صحیح بُخاری

بُخاری در کتاب صحیح خود حدیث ولایت را از عبداللَّه پسر بریده نقل می کند. در این نقل به روشنی معلوم می‌شود که حدیث تقطیع شده است. کسی که با دقّت متن این حدیث را بررسی کند، به بریده و مقطوع بودن حدیث پی خواهد برد. طبق این نقل بریدهٔ بن حصیب می گوید: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله علی علیه السلام را برای گرفتن خمس به جانب خالد بن ولید فرستاد (!)

بریده می گوید: «من از علی علیه السلام بغض و کینه داشتم و علی علیه السلام غسل کرده بود (!)

به خالد گفتم: آیا به این شخص (یعنی علی علیه السلام) نظر نمی کنی؟

پس زمانی که نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آمدیم، مطلب را برای آن حضرت بازگو کردم».

جالب این که بریده نمی‌گوید: نزد پیامبر صلی اللَّه علیه وآله علی را تنقیص کردم، یا خالد به من دستور داد ... بلکه می‌گوید: این جریان را

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۶۱

برای پیامبر صلی اللَّه علیه وآله بازگو کردم. گویی قضیّه طبیعی را بازگو می کند.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

یا بریدة! أتبغّض علیّاً؟

ای بریده! آیا کینه علی را در دل داری؟

گفتم: آری.

فرمود:

لا تبغضّه، فإنّ له فی الخمس أکثر من ذلک.

او را دشمن مدار، حقّ علی از خمس بیش از آن است. «۱» بُخاری در کتاب صحیح تنها همین اندازه به واقعه اشاره می کند، و هرگز چنین سخنی به میان نمی‌آورد که پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

علی منّی وأنا من علی وهو ولیّکم من بعدی.

علی از من است و من از علی هستم، او ولیّ و سرپرست شما پس از من خواهد بود.

ب) بیهقی و تحریف حدیث ولایت ... ص: ۶۱

بیهقی شاگرد حاکم نیشابوری نیز در کتاب سنن به نقل حدیث

(۱) صحیح بُخاری: ۵/ ۲۰۷.

ولایت پرداخته است. پیش‌تر متن «حدیث ولایت» به نقل از حاکم نیشابوری در المستدرک ذکر گردید. بیهقی در کتاب سنن، حدیث شریف را با سند خود از استادش حاکم نیشابوری نقل می کند، «۱» ولی پایان حدیث را حذف می‌کند؛ همان بخشی که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

إنّ علیّاً منّی وأنا من علی وهو ولیّکم بعدی.

به راستی که علی از من است و من از علی هستم و او بعد از من ولیّ و سرپرست شماست.

ج) بغوی و تحریف حدیث ولایت ... ص: ۶۲

بغوی نیز در کتاب مصابیح السّنّه که از مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی اهل تسنّن است، «حدیث ولایت» را نقل می کند. در آن کتاب واژه «بعدی» حذف شده است و سخن پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله این گونه آمده است:

علی منّی وأنا من علی وَهُوَ وَلِیّ کلّ مؤمن. «۲»

علی از من است و من از علی هستم، و او ولی و سرپرست شماست.

(۱)

سنن الکبری: ۶/ ۳۴۲.

(۲) مصابیح السُّنّه: ۴/ ۱۷۲، حدیث ۴۷۶۶.

روشن است که با حذف واژه «بعدی» دیگر اعتراف به مقام ولایت برای امیر مؤمنان علی علیه السلام ضرری به آنان نمی‌زند؛ چون می گویند:

رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله اصل مقام ولایت را برای علی علیه السلام جعل فرموده، امّا زمان ولایت بر امت را تعیین نفرموده است و ناگزیر به نظر آنان منصب ولایت و خلافت آن حضرت، بعد از عثمان خواهد بود.

د) خطیب تبریزی و تحریف حدیث ولایت ... ص: ۶۳

خطیب تبریزی نیز در مشکاهٔ المصابیح «۱»
حدیث ولایت را از تِرمذی نقل می‌کند و کلمه «بَعْدِی» را از آن اسقاط می‌کند، یعنی حدیث ولایت را بدون کلمه «بَعْدی» و به گونه تحریف شده به تِرمذی نسبت می‌دهد و حال آن که حدیث شریف در کتاب تِرمذی موجود و دارای کلمه «بَعْدی» است.

ه) ابن تیمیه و حدیث ولایت ... ص: ۶۳

به راستی آیا اینان فکر نمی‌کنند که سرانجام کسانی خواهند آمد که به مصادر مراجعه می‌کنند، این تحریفات را می‌بینند، کتاب را می‌خوانند و به سنن تِرمذی مراجعه می‌کنند و دو متن را تطبیق

---

(۱) مشکاهٔ المصابیح: ۲/ ۵۰۴، حدیث ۶۰۹۰.

می‌نمایند و اصحاب تحریف را رسوا می‌بینند؟ می‌دانند، ولی حیا و شرم نمی‌کنند!
آری، این دومین راهی است که برای ردّ حدیث ولایت به کار گرفته‌اند. اما دیگر برای کسی که با خدا و رسولش می‌خواهد مخالفت کند و از آن‌ها روی گرداند، راهی باقی نمانده که با تمسّک به آن بتواند حدیث ولایت را از کار بیندازد، مگر طریقی که «ابن تیمیه» پیموده است. او اصل صدور حدیث ولایت را انکار کرده و با صراحت می‌گوید: این حدیث دروغ است. عین گفتار ابن تیمیه چنین است:
«این که رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرموده باشند:
وهو ولی کلّ مؤمن بعدی.
او (یعنی علی علیه السلام) ولیّ و سرپرست هر مؤمنی است بعد از من.
دروغ بر پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله است و سخنی است که صدور آن از رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله ممنوع است». «۱» آری، این روش ابن تیمیه، آسان‌ترین و بهترین راه برای کسی است که با گفتار خدا و رسول او می‌خواهد مخالفت نماید و با پیمودن

---

(۱) منهاج السُّنّهٔ النبویّه: ۴/ ۱۶۴.

همین راه، به جای تحریف و اسقاط بعضی از الفاظ و خصوصیات حدیث، اصل حدیث را انکار می‌کند.
آری خداوند متعال می‌فرماید:
«فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمّا يَكْسِبُونَ». «۱» پس وای بر آنان از آن چه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آن چه (با این نوشتن) به دست می‌آورند.
در جای دیگر می‌فرماید:
«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً». «۲» پس نه، به

پروردگار تو سوگند که آنان ایمان نخواهند آورد مگر این که در امور مورد منازعه، تو را حاکم قرار بدهند و در مقابل قضاوت تو، بدون این که کوچک‌ترین تنگی در سینه خود (از ناحیه قضاوت تو) احساس کنند، سر تسلیم فرود آورند و به طور کامل تسلیم باشند.

---

(۱) سوره بقره: آیه ۷۹.

(۲) سوره نساء: آیه ۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۶۷

کتاب نامه ... ص: ۶۷

۱. قرآن کریم.

«الف»

۲. الاحتجاج: ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان

۳. الإستیعاب فی معرفهٔ الاصحاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۴. أنساب الأشراف: سمعانی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۸.

«ت»

۵. تاریخ مدینهٔ دمشق ترجمهٔ الامام علی علیه السلام: حافظ ابی القاسم علی بن حسن معروف به ابن عساکر، مؤسسه محمودی، بیروت.

۶. تحفهٔ الأشراف بمعرفهٔ الأطراف: جمال الدین ابی الحجّاج یوسف مزّی، مکتب اسلامی، بیروت، لبنان.

۷. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال: جمال الدین ابی الحجّاج یوسف مزّی، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۶۸

«س»

۸. سبل الهدی والرشاد: محمّد بن یوسف صالحی شامی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۴.

۹. سنن الکبری: بیهقی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۱۰. سنن تِرمذی: محمّد بن عیسی بن سوره تِرمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۱۱. سیر اعلام النبلاء: ذهبی، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، چاپ نهم، سال ۱۴۱۳.

«ص»

۱۲. صحیح بُخاری: ابوعبداللّه محمّد بن اسماعیل بُخاری جعفی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

«ع»

۱۳. علل الشرائع: محمّد بن بابویه معروف به شیخ صدوق رحمه اللّه، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، سال ۱۴۲۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۶۹

«ق»

۱۴. القول الجلیّ فی مناقب علیّ علیه السلام: جلال الدین سیوطی، مؤسسه نادر، بیروت، لبنان.

«ک»

۱۵. کنز العمّال: متقی هندی، دار الکتب علميّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

«م»

۱۶. المستدرک: حاکم نیشابوری، دار الکتب علميّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۱۷. مسند ابی داوود: حافظ سلیمان بن داوود طیالسی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۱۸. مسند احمد: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۱۹. مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۲۰. مصابیح السُّنّه: حسین بن مسعود بغوی، متوفای ۵۱۶ ه.

۲۱. مصباح المتهجّد: ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۷۰

۲۲. المعجم الاوسط: سلیمان بن احمد بن ایّوب لخمی طبرانی، دار الحرمین، سال ۱۴۱۵.

۲۳. معرفهٔ الصحابه: ابو نعیم اصفهانی، بیروت، لبنان.

۲۴. المصنَّف: ابن ابی شیبه، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۲۵. منهاج السنهٔ النبویّه: ابن تیمیّه حرّانی، مکتبه ابن تیمیه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ولایت، ص: ۷۲

(۹)

A Glance on Guardianship Narration

)Hadith al –Wilayah(

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسـیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».